بسم الله الرحمن الرحیم

تخالف الحجج

استاد آیت الله عندلیب همدانی

جلسه صد و هفتاد و دوم\_ 16 اسفند 1400

[ادامۀ بحث در تعلیقۀ ششم]

[خراسان مهد حدیث اهل تسنن]

در زمان امامت ثامن الحج صلوات الله و سلامه علیه، و آمدن ایشان به طرف خراسان، و پذیرش ولایت عهدی مأمون، توجه به این نکته لازم است که خراسان بزرگ، نه خراسان کنونی، خراسان بزرگ یکی از مهم‌ترین مراکز حدیثی اهل تسنن بوده، نیشابور، بخاری، سمرقند، مرو، بلخ، در این‌ها محدثان بزرگی بوده‌اند و نیز بسیاری از مصنفان حدیثی اهل تسنن، مثل بخاری، مثل مسلم، ترمزی، نسائی، این‌ها یا در همین مناطق زندگی می‌کردند، یا در این مناطق به دنیا آمده اند.

خلاصه این‌که خراسان بزرگ را باید یکی از مهم‌ترین مراکز حدیثی اهل تسنن به حساب آورد، شما آن قضیۀ نیشابور و نوشته شدن حدث سلسلة الذهب به عنوان یک نمونه از کثرت محدثان، در آن مناطق بدانید.

[حضور امام رضا سلام الله علیه در خراسان و تبیین مواضع اهل بیت]

حال امام هشتم سلام الله علیه به این منطقه آمده است، با این شکوفایی علمی اهل تسنن، و با آن آزادی نسبی که گفتیم، مأمون داده بود، و با آن امکانی که حضرت پیدا کرد، برای بیان معارف در اثر پذیرش ولایت عهدی، لذا این دوران دورانی است بی‌نظیر که امام توانست با تشکیل جلسات علمی، مباحثه و مناظره، مواضع اعتقادی شیعه را تبیین کند و تراث عظیمی و گرانقدری، از روایات ناب توحیدی و اعتقادی، به جا بماند.

امام علیه السلام گاهی با القای حدیث در بین عموم مردم یا به طور خصوصی، گاهی با پاسخ دادن به سوالات شفاهی یا کتبی گاهی با حضور در آن مجالس مناظره که مأمون تشکیل می‌داد بالاخره امام علیه السلام تبیین معارف دینی می کردند.

[أحادیث موجود از وجود مقدس امام رضا علیه السلام]

از خصوص ایشان در مسند الامام رضا علیه السلام حدود 2000 حدیث نقل شده است، که مجموع احادیث فقهی ایشان و ائمه بعد عرض کردیم حدود 1344 است آنگونه که در کتاب فقه الامام الرضا و ابنائه[[1]](#footnote-1) آمده است.

این اشاره‌ایی به احادیث وجود مقدس امام رضا علیه السلام.

[تعلیقۀ هفتم؛ عرضه حدیث]

نکته‌ایی که هم در این زمان، باید توجه کرد، و هم از قبل هم به نحوی از زمان امام صادق بوده، اما در این دوران سوم، که دوران تثبیت و تکمیل است گسترده‌تر شده است، بحث عرضۀ حدیث است که می آمدند به امام رضا علیه السلام مثلا چه شیعیان و چه اهل تسنن احادیثی را عرضه می‌کردند، و امام حقیقت را بیان می فرمود.

[مصادیق 8گانه عرضه حدیث]

چون بحث منتهی شد به عرضۀ حدیث من اینجا یک تقسیم‌بندی قرار بدهم، نکته‌ایی است لطیف و قابل استفاده‌ایی در بعضی موارد است و به درد بحث تعادل و تراجیح می خورد وبه نحوی هم در مباحث خبر واحد اشاراتی به آن داشته ام.

من فکر می کنم عرضۀ حدیث 8 مصداق دارد که برخی از این مصادیق در زمان امام کاظم، یا امام رضا سلام الله علیهما انجام شده است:

1. [عرضه حدیث به قرآن و سنت قطعی برای تشخیص صادر از لاصادر]

دستوری که به همۀ ما داده‌اند برای اینکه احادیث را عرضه کنیم به کتاب کریم وسنت قطعیۀ نبویه، برای این‌که تشخیص بدهیم کدام حدیث جعلی است و کدام حدیث جعلی نیست، برای تشخیص صادر از لاصادر، احادیث را عرضه کنیم، این را ما توضیح دادیم، که مراد عرضۀ احادیث است به اصول مسلمه و قطعیۀ قرآن و سنت قطعیه و گفتم مراد عدم مخالفت احادیث است با روح قرآن و سنت، این را بحث کرده‌اییم.

1. [عرضه حدیث به قرآن و سنت قطعی برای تشخیص حجت بالفعل از لا حجت]

مصداق دوم برای عرضۀ حدیث، عرضه کردن حدیث است به قرآن وسنت برای تشخیص سنت بالفعل از لا حجت است، برای این که تقیه را از غیر تقیه تشخیص بدهیم، مطلق را از مقید، عام را از خاص، مبهم را تفسیر کنیم، در این مواد احادیث صادر شده را باز عرضه می‌کنیم به قرآن و سنت. این عرضه به منظور تشخیص صادر از لاصادر نیست. نحوۀ این عرضه برای تشخیص این است که کدام امری الآن وظیفّ فعلیۀ من است، چون بین روایات تقیه فروان است، عام و خاص‌ها باید رعایت شود و قس علی هذا.

1. [عرضه حدیث به عقل و عقلاء]

عرضۀ حدیث است به عقل، و عقلا. منظور از عرضۀ حدیث به عقل این است که در آن محدوده‌ایی که عقل توان درک دارد، نمی‌شود سخنی از معصومی صادر شود، که مخالف قطعی با عقل و درک قطعی عقل باشد، لذا اگر یک روایتی ظاهرش تشبیه بود، ظاهرش قول به تجسیم بود، این را با عقل و برهان عقلی می‌سنجیم و می‌گوییم از ظاهرش باید دست برداشت.

1. [عرضه حدیث به فهم عرفی]

عرضه به عرف در فهم روایات فقهی، باید فهم عرفی را معیار قرار داد.

1. [عرضۀ حدیث اهل تسنن به شخص امام]

عرضۀ حدیث اهل تسنن به شخص امام علیه السلام، این را ما در زمان امام کاظم نمونه برایش ذکر می‌کنیم:

امام کاظم علیه السلام به یکی از اصحابش می‌فرماید: َ **اذْهَبْ فَتَفَقَّهْ وَ اطْلُبِ الْحَدِيثَ قَالَ عَمَّنْ قَالَ عَنْ فُقَهَاءِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ[[2]](#footnote-2) ثُمَّ اعْرِضْ عَلَيَّ الْحَدِيث**[[3]](#footnote-3)‏

برو احادیث فقهاء مدینه را بیاموز، منتهی بیا به من عرضه کن، تا من به تو بگویم درست کدام است، نا درست کدام است.

ائمه هدی علیهم السلام هم مسقلا فقه و معارف دینی را بیان می‌کردند و هم گاهی به عنوان تعلیقه بر سخنان اهل تسنن. در این روایت شریف که از وجود مقدس امام کاظم سلام الله علیه نقل شد، امام می‌خواهد در ضمن آن‌که سخن فقهاء اهل تسنن نقل می‌شود، کلام معصومین علیهم السلام نیز تبیین و وجه مایز کلام ایشان روشن شود. این نحوه بیان معارف هم نافع‌تر و هم مورد اطمینان‌تر است؛ چرا که به عنوان تعلیقه بیان و حرف آنان هم تبیین و هم تفاوت آن با سخن امام مشخص می‌شود. می‌توان گفت ریشه‌های فقه مقارن در همین کلام امام علیه السلام نهفته است.

1. [عرضه روایات منابع شیعی به امام علیه السلام]

عرضۀ روایات منقوله در منابع شیعی به امام علیه السلام، می‌آمد برخی از روایاتی را که غالیان جعل کرده‌اند، یا جزء اسرائیلات بود، به امام عرضه می‌کرد، امام هم بایش توضیح می‌داد که این روایات جعلی است، یا در احادیث امام رضا از این قصه موارد مختلفی داریم.

1. [عرضۀ روایات منابع شیعی به بزرگان شیعه]

عرضۀ روایات منقولۀ از شیعه به بزرگان از خود شیعه، یادتان هست، عمر بن اذینه[[4]](#footnote-4) روایتی که شنیده بود را به زراره عرضه می کرد. ما روایات و کتبی داریم مثل کتاب التکلیف شلمغانی[[5]](#footnote-5) و دیگرانی این ها را عرضه کردند به جناب مثلا حسین بن روح که مثلا این کتاب چگونه است، یکی از کسانی که در این برهه در عرضه کتب مرجعیت داشته است جناب یونس به عبد الرحمن است، این ها چون با مذاق اهل بیت آشنایی بیشتری داشتند و حق را از باطل تشخیص می دادند و می توانستند راهنمای شیعه باشند، روایات را به این‌ها عرضه می‌کردند.

1. [عرضه حدیث به خاطر تحمل حدیث]

عرضه کردن روایات در نوعی خاص از تحمل حدیث. چون تحمل الحدیث که همان حدیث آموزی است اقسامی ادارد یک نوعش قرائت است، قرائت این است که شاگرد کتاب و حدیثش را پیش استادش می خواند، آن‌جا که شاگرد، پیش استاد روایات و کتاب‌های حدیثی را قرائت می کند، در حقیقت احادیث را عرضه بر استاد می کند تا موارد اشکال روشن بشود.

عرضه کردن احادیث با توجه به این‌که اولا جعل و تزویر زیاد است، ثانیا چه بسا رواتی غفلت و تسامح در نقل داشته باشند، ثالثا زمان‌های دشوار تقیه در کار بوده، و رابعا چه بسا بین بعضی از روایات، تعارضی مشاهده می‌شده است، و خامسا ابهاماتی بوده است که آن ابهامات در این عرضه روایات قابل برطرف شدن بود، جایگاه عرضۀ حدیث که در زمان ائمۀ هدی مخصوصا امام کاظم به بعد شما این ها را مشاهده می‌کنید و بعضی از این ها الآن هم وظیفۀ ما است، مثل آن مواردی که گفتم عرضۀ حدیث به قرآن برای تشخیص صادر از لا صادر، برای تشخیص حجت از لا حجت، عرصه به عقل یا عرضه با عرف این‌ها برای ما هم لازم است. ولی برخی از این‌ها برای زمان‌هایی بوده است که مردم یا به خود امام دسترسی داشته اند یا به شاگردان امام علیه السلام دسترسی داشته‌اند.

[کتبی که به امام هشتم سلام الله علیه نسبت داده شده]

این راهم عرض کنم که در مورد حضرت رضا سلام الله علیه ما به کتابی بر می‌خوریم که اخیرا هم مصحح چاپ کرده اند به نام صحیفة الرضا که یکی از کتب حدیثی است، می شود گفت از اصول هم هست، احمد بن عامر[[6]](#footnote-6)، در سال 194 در مدینه از امام وقتی در مدینه نقل کرده است. این کتاب که حدود 200 روایت درش هست، هم مورد توجه اهل تسنن و شیعه است.

دو کتاب به امام نسبت داده شده است که ما در هر دو نسبت دادنش به امام تردید جدی داریم، یکی رسالة ذهبیه و دیگری فقه الرضا علیه السلام

اما احادیث حضرت رضا سلام الله علیه یکی از مهمترین کتبی که در این زمینه نوشته شده است کتاب شریف عیون اخبار الرضا است که توسط صدوق اعلی الله مقامه نگاشته شده است.

این صحیفة الرضا که گفتم دو کتاب است یکی همان است که عرض شد و دیگری صحیفة الرضا است که کتاب دعا است، دعاهای امام رضا است، آنی که اول عرض کردم غیر از این صحیفة الرضای دعا است

این نکات مهمی که در آن زمان ها باید به آن اشاره می‌کردیم.

این ویژ‌گی‌ها در زمان امام جواد و امام هادی و امام عسکری سلام الله علهیم هم هست، با این تفاوتی که این سه بزرگوار ان آزادی عملی که در زمان امام هشتم سلام الله علیه بود، نداشتند.

هذا تمام الکلام در مورد تاریخ تدوین حدیث، هم فرمایش سید سیستانی توضیح کامل داده شد، هم نکاتی که لازم بود به صورت تعلیقه و تکمله بالخصوص در مورد تاریخ حدیث شیعه خدمتان عرض کردیم.

ان شاء الله از فردا بحث علل و اسباب اختلاف حدیث که در بحث تعارض بسیار بسیار مهم و کلیدی است که چرا شما، در بین احادیث اختلافاتی مشاهده می‌کنید، این بحث را هم مرحوم صدر مفصل بیان‌کرده است، هم حضرت آقای سیستانی به دنبال ایشان و بعد ایشان، شما به این دو منبع به عنوان اصل کار ما مراجعه کنید تا از فردا وارد این بحث شویم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .

1. فقه احادیث الامام الرضا و ابنائه‌ الکرام (ع)[ط-بنیاد پژوهش‌های اسلامی]، سید محمد علی خادمی. [↑](#footnote-ref-1)
2. فقهاء‌مدینه‌در‌آن عصر بیشتر‌مالکی بوده‌اند. [↑](#footnote-ref-2)
3. الکافی، ج 1، ص 353. [↑](#footnote-ref-3)
4. محدث ثقه شیعی و از روات امام صادق و کاظم علیهما السلام [↑](#footnote-ref-4)
5. از اصحاب امام یازدهم که به دروغ ادعای نیابت خاص‌کرد‌و‌سپس‌توسط‌خلفیه‌عباسی‌به‌دار‌آویخته شد. [↑](#footnote-ref-5)
6. ظاهرا وی از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری نیز بوده است. [↑](#footnote-ref-6)